

بسم الله الرحمن الرحيم

کلید واژگان: تغییر ساختار علم اصول، مقدمات علم اصول، توسعه نطاق علم اصول، مبادی تصویری علم اصول، اراده الهی، مولویت خداوند بر خلق، محور الزام، مفهوم شناسی اصطلاحات پر کاربرد علم اصول

بیان شد که دو کار باید صورت بگیرد: یکی تغییر هیکلیه و ساختار علم اصول و دوم توسعه نطاق علم اصول است. قرار شد که اولاً در این ساختار جدید، مباحث محور پیدا کند و محور آن آلیه کشف الشریعه و تحصیل العذر باشد. ثانیاً بسیاری از مسائل اصولی یا مسائلی که از مبادی تصویری علم اصول هستند در این ساختار جدید جایگاه پیدا کنند. ثالثاً بنا شد که از مصادری که اهل سنت دارند گفتگو کنیم. همواره باید مد نظر داشته باشیم وقتی می خواهیم از مصدری صحبت کنیم باید سراغ صاحبان آن مصدر و نهاد برویم و ما نمی توانیم نسبت به مصادری که اهل سنت در اصول خود و عملاً در فقه استفاده می کنند بی اطلاع باشیم. حال اگر کارایی سندی پیدا نکرد از کارایی ابزاری آن می توان بهره برد و اگر هم نه کارایی سندی داشت و نه کارایی ابزاری، ما به عنوان باحث اصولی باید با مصادر آنها آشنا باشیم که هم مبتلا نشویم و اگر جایی دیدیم بدانیم که طرف مقابل چه می گوید و به صورت صحیح قضاوت کنیم. رابعاً اینکه قرار شد از تعهدات مبینان شریعت و الزاماتی که حضرات معصومین ملتزم بودند که رعایت کنند سخن به میان بیاید. یکی از مباحثی که کمتر مطرح شده مسئولیت مبینان شریعت نسبت به آینده است که باید در کتاب فقه و عرف مشاهده شود. آیا حضرات معصومین علیهم السلام نسبت به سیره های آینده مسئولیت دارند؟ آیا امام صادق ع می دانند که در قرن یازدهم به بعد آرام آرام جریان افتاء و تقلید شروع می شود. طیف وسیعی از اخباری ها تقلید را حرام می دانند و اصولی ها آن را ضروری می دانند. یکی ممکن است بگوید چون حضرات معصومین ع می دانستند که چنین جریان افتاء و تقلیدی پیش می آید اگر ردع نکردند این به معنای امضای افتاء و تقلید است و نباید گفت این سیره مستحدث است و در مقابل برخی هم ممکن است بگویند معصوم چنین وظیفه ای ندارد که این مباحث باید بررسی شود.

بنا بر این بود که از اصول فقه مقدماتی بیان شود و مقدمه اول مربوط به تعریف و تاریخ شأن علم اصول بود که گذشت. و مقدمه یا مساله دوم بحث تغییر ساختار و توسعه علم اصول بود که آن هم گذشت. و اما مقدمه سوم:

### مقدمه سوم: مبادی تصویری اصول فقه

مبادی تصویری به مفهوم شناسی واژه های پر کاربرد در دانش می پردازد. در علم اصول اصطلاحاتی وجود دارد که بسامد زیادی دارد که مفهوم شناسی این اصطلاحات به معنای مبادی تصویری است که معمولاً هم مبادی تصویری یک علم خارج از آن علم است و خارج از مسائل آن علم است اما در همان علم بحث می شود. مثلاً در علم نحو تعریف رفع و نصب و جر در عین اینکه خارج از مسائل علم نحو است اما در خود علم نحو بحث می شود. لذا مبادی تصویری علم اصول هم در مقدمه علم اصول بحث می شود که در ساختار مختار در حلقه دوم جای گرفته است.

در مبادی تصویری، مفهوم شناسی و هر آنچه به مفهوم شناسی مربوط است آورده می شود مثلاً مفهوم حکم بیان می شود سپس اقسام حکم هم بیان می شود چون اقسام حکم هم به نوعی برای علم اصول حالت مبدأ تصویری دارد. حال یا آن را مفهوم شناسی بنامیم یا بیان کلیات. بحث کلیات هم در مبادی تصویری بحث می شود مانند بحث گستره شریعت با اینکه گستره شریعت یک بحث مفهوم شناسی محض نیست اما از مبادی تصویری است.

باید ابتدا از شریعت سخن گفت اما به جهتی ابتدا از اراده شروع می کنیم:

## اراده الهی:

اراده هم در علم کلام بحث می شود چون یکی از صفات خداوند این است که "انه مرید" هم در فلسفه از اراده صحبت می شود و هم در حدیث و تفسیر. اما ما به دنبال مفهوم اراده در اصول فقه هستیم که ببینیم به چه معناست و در مقابل چیست؟ ما دنبال تعریف لغوی نیستیم و مستقیماً سراغ مفهوم شناسی اراده می رویم: اراده الهی یعنی اینکه خدای متعال انجام کار یا ترک فعلی را از سوی مکلف اراده کند یا به نحو لزوم (که شامل واجب و حرام شود) و یا به نحو ترجیح (که شامل مستحب و مکروه شود) بدون اینکه در قالب جعل و تشریح و انشاء در آمده باشد (چون اگر اینطور باشد می شود حکم).

گاهی خدای متعال اراده دارد اما لباس جعل نپوشیده است. سه مثال در این زمینه بیان می کنیم: در بحث مقدمه واجب بنا بر نظر حق و مشهور که قائل هستند مقدمه واجب، واجب شرعی نیست و واجب عقلی است؛ شارع مقدس یک نماز جعل می کند و می فرماید: نماز واجب است و ممکن است بیست مقدمه برای آن مطرح کند اما برای این مقدمات لباس جعل نمی پوشاند اما انجامش مراد الله است. در مقدمه حرام هم شارع راضی به انجام مقدمه حرام نیست مخصوصاً مقدمه ای که حتماً منجر به ارتکاب حرام می شود. بنا بر این نظر که مقدمه حرام حرام نیست (حتی در مقدمه موصله) آیا می توان گفت اراده بر ترک این مقدمه از سوی شارع وجود ندارد؟ در بحث ضد وقتی بیان می شود که آیا امر به شیء مستلزم به نهی از ضد آن هست یا نه؟ می دانید که قبول ندارند ما دو چیز داشته باشیم که یکی وجوب نماز باشد و یکی حرمت ترک نماز باشد یا یکی وجوب نماز باشد و یکی حرمت خوابیدن اما اراده خدای متعال تعلق می گیرد به ترک ضد واجب. اینها از مواردی است که جعل نیست اما اراده الهی وجود دارد.

البته قبلاً این نکته بیان شد که این موارد، مواردی است که می توان از وجوب ذی المقدمه یا حرمت ذی المقدمه به وجوب و حرمت مقدمه پی برد. مواردی هم هست که به صورت حکم مستقل بتوان گفت اراده هست اما جعل نیست مانند احکامی که الان کسی از آن مطلع شود اما در زمان ظهور حضرت مشخص شود اما بحث اصولی را با این مصادیق نمی توان پیش برد.

در فلسفه حقوق یکی از مباحثی که هست بحث ضمانت اجراست و این سوال مطرح است که عامل الزام آور برای شهروند چیست؟ چرا باید یک شهروند از قانون متابعت کند؟ آیا چون اراده قانون گذار است؟ آیا چون این قانون ارزشمند است و نظم اجتماعی می آورد و از پراکندگی جلوگیری می کند باید تبعیت شود؟ وسوالات دیگر... در اینجا مکاتب حقوقی هم ایجاد شده تحت عنوان مکتب حقوقی پوزیتیویسم، مکتب حقوقی طبیعی، و ... که این مبحث در کتاب فقه و عرف تحت عنوان محور الزام آور حکم آمده است.

فارغ از همه این مکاتب و بحث های حقوقی، ما در شریعت مطهر اراده گرا هستیم یعنی آنچه برای مکلف الزام می آورد، اراده مولاست و اگر اراده الهی تعلق گرفت به انجام کاری اگر الزامی باشد می شود واجب و اگر تحسینی و ترجیحی باشد می شود مستحب و اگر اراده مولا تعلق بگیرد به ترک فعل مکلف ملزم می شود به ترک که اگر الزامی باشد می شود حرام و اگر ترجیحی باشد می شود مکروه. ما بر محور اراده مولا کار را پیش می بریم و هیچ چیز دیگری نمی تواند برای ما الزام بیاورد. حال این اراده الهی چه در قالب انشاء و حکم انشائی و حکم فعلی و حکم منجز در بیاید یا در نیاید. چرا؟ چون کسی می تواند دیگری را به کاری الزام کند که

بر او مولویت داشته باشد و فقط خدای متعال بر خلق مولویت دارد. چرا او مولویت دارد؟ قرآن می فرماید: "خالق کل شیء فاعبدوه" پس اراده او الزام آور است و اگر اطاعت از پیامبر را اراده فرموده بر می گردد به اینکه اراده الهی مبنی بر تبعیت از پیامبر بوده است.

**خلاصه بحث:** مقدمه اول در تعریف و تاریخ و شأنیت علم اصول بود. مقدمه دوم درباره ساختار جدید و توسعه گستره علم اصول بود و مقدمه سوم درباره مبادی تصویری علم اصول است. مبادی تصویری، مفهوم شناسی واژه های پرکاربرد در هر دانش است که خارج از آن دانش بوده اما در مقدمات آن دانش بحث می شود. در مقدمه سوم علاوه بر مفهوم شناسی اصطلاحات، کلیات هم بحث می شود چون از مبادی تصویری است. اولین بحث پیرامون اراده الهی است: اراده الهی یعنی خدای متعال نسبت به انجام کار یا ترک فعلی لزوما یا ترجیحا اراده کند بدون اینکه در قالب جعل و تشریح و انشاء در آمده باشد. لذا محور الزام اراده الهی و علت این الزام آور بودن این است که خدای متعال بر خلق مولویت دارد.